

رسوایی مدیران اروپایی عصر قاجار

۱۴ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۵۴

از شروع دوره قاجاریه به بعد، به علت ماهیت استبدادی دولت و عدم اتکای آن به پایگاه‌های اجتماعی داخلی از یک سو و قدرت فزاینده اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی دولت‌های استعماری از سوی دیگر، دولت نه تنها گامی اساسی در راه حمایت از تجار و صنعتگران ایرانی برداشت، بلکه آشکارا به حمایت از منافع تجار و سرمایه‌داران خارجی پرداخت.

بنابه نوشته دکتر مرتضی محمدخان، استعمارگرهای انگلیس و روس با استفاده از امتیازهایی که از حکومت ناتوان وقت به دست آورده بودند، کالاهای خود را در سطحی وسیع به ایران صادر می‌کردند و ضربه‌های خود را بر صنایع ایران وارد می‌کردند. نگاهی به فهرست اقلام صادرات و واردات آن دوران نشان می‌دهد که عمده محصولات صادراتی ایران در دوره قاجاریه، مواد خام بوده و مواد وارداتی نیز عبارت است از: چلوار، چیت، پارچه‌های نخی، قند و شکر، نفت، شمع، چراغ، ظرف‌های آئینه، فلزات، کالسکه و سماور از روسیه، قند، شیشه آلات، ظرف‌های چینی، پارچه و اجناس ابریشمی از فرانسه؛ شیشه، بلور و قاشق و پارچه‌های ابریشمی از آلمان و اتریش، چلوار، دارو و پارچه‌های حریر از هندوستان و بالاخره پارچه‌های پیراهنی، ظرف‌های مسی، اسلحه و مهمات از انگلستان.

اما جالب است بدانید در این دوره حتی کارخانه‌های اروپایی که در ایران نیز دایر می‌شدند، اکثراً در پی اخذی از ایرانیان و سودجویی از آنان بودن، چنانکه سیروس سعدوندیان در این باره می‌نویسد شروع اصلاحات در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عصر ناصری، پیدایی کارخانجات مختلف و صنایع کوچک را به دنبال آورد. در همین راستا، اعطای امتیازات به اتباع بیگانه نیز آغاز گردید. به رغم شکست رسوایی‌های امتیازات بزرگی که به خارجیان داده شده بود، اخذ امتیاز تاسیس پاره‌ای کارخانجات و برخی صنایع کوچک از سوی فرنگیان دنبال شد. این گونه کارخانجات، از اواخر عصر ناصری به بعد و خاصه در سلطنت مظفرالدین شاه، هر یک چند صباحی تاسیس گشته، جای خود را به دیگری سپردند. از شمار این تاسیسات مستعجل، که همگی در حوالی تهران پای گرفتند، از کارخانجات قندسازی، کبریت‌سازی، شیشه و بلور سازی می‌توان یاد کرد که نخستین صناعی بودند که توسط فرنگیان در تهران احداث شدند و جملگی به یک سرنوشت دچار آمدند. سرگذشت این صنایع و اسباب و علل نابودی آن‌ها را به نقل از افضل التواریخ، اثر «غلامحسین افضل الملک»، مورخ اندیشمند عصر مظفرالدین شاه، به دست می‌دهیم:

روز جمعه، بیست و دویم رجب (سال ۱۳۱۵ هجری قمری) بندگان اقدس به جهت ملاحظه و نظاره کارخانه قند سازی که به توسط کمپانی و مدیر بلژیکی، قریب یک سال است در قریه «کهریزک» تهران دایر شده است، از تهران تشریف فرمای قریه

کهریزک، که دو فرسخی تهران است، شده کارخانه قندسازی را کاملاً نظاره فرمودند. در حضور همایون، مقداری قند ریختند و بسی حیرت‌ها از اختراع انسان حاصل شد که چه ماشین‌ها می‌سازد و چه قدرت‌های خیالی دارد. عجایب این کارخانه به وصف در نمی‌آید. نمی‌توان تشریح کرد؛ مگر آنکه، کسی به چشم ببیند. در روزنامه‌های ایران، نوشته‌اند که: قند این کارخانه نهایت امتیاز و صفا را دارد. لکن، خلاف است. قند «گریک» و قند «روسیه» و سایر قندهای «اروپا» خیلی بهتر از این قند است. قند این کارخانه، فقط از قندهای «یزدی» که چند سال قبل در یزد ایرانی‌ها می‌ریختند، بهتر است ولی، در مقابل قند اروپا که به ایران می‌آوردند، هیچ تعریفی ندارد. قند این کارخانه صلب و سخت است؛ در چای یا آب گرم، دیر آب می‌شود؛ صفا و درخشندگی کم است. عیب بزرگ قند این کارخانه این است که از دولت روسیه به تهران و سایر بلاد ایران می‌آورند و گمرک می‌دهند و سی منزل و بیست منزل در خاک ایران، که راه آهن نیست، کرایه به مکاریان می‌دهند که قندها را بار شتر و قاطر کرده، به ولایات حمل کند. با این تحمل‌ضررها و خسارات‌ها و زحمت‌ها، قند فرنگ هر منی در میان تجار، به پنج هزار فروش می‌رسد. ولی حماقت کمپانی و مدیر بلژیکی کارخانه قندسازی ایران این است که در دو فرسخی تهران کارخانه ساختند. قندش را که به تهران می‌آورند، نه مثل قند روسیه وجه گمرک دارد، و نه سی منزل و بیست منزل به مکاری کرایه می‌دهد؛ هیچ‌گونه ضرر ندارد. با این حالت، او هم قند خود را، مثل قند روسیه، به قیمت یک من پنج هزار به فروش می‌رساند. مردم چون قیمت هر دو قند را یکسان دیدند، در حالتی که قند خارج را بهتر مشاهده می‌کنند، البته قند خارجه را خریده کارخانه قندسازی در ایران ضرر می‌کند. پس، باید مدیر قندسازی ایران، هر منی از قند خود را یک هزار دینار از قند خارجه که به ایران می‌آید و متحمل ضرر می‌شود، ارزان‌تر بفروشد تا همه به خریدن قند او راغب شده، دیگر مال التجاره روسیه به ایران نیاید و خریدن قند منحصر به کارخانه قندسازی ایران شود تا هزار فایده برد. خبط دیگر این کارخانه قندسازی ایران این است که مدیر این کار، یک کارخانه بیش تر نداشت و به قدری می‌توانست قند بیرون بیاورد که کفایت یک بلوک تهران، مثل ورامین را بکند و نمی‌توانست قند یک تهران را برساند، چه رسد به قند سایر ولایات. در این صورت، باز اهل ایران محتاج به قند بلاد روسیه بودند و کار منحصر به این اداره نمی‌شد. لہذا، چندان فایده‌تی نمی‌برد. اداره قندسازی باید چندین کارخانه داشته باشد که اهل یک مملکت دیگر محتاج به قند خارجه نباشند و باید اداره قندسازی ایران قند خود را از قند خارجه، به قاعده پنج یک، ارزان‌تر بفروشد که ما التجاره خارجه از کثرت ضرر عاجز شود؛ والا، کار پیشرفت نخواهد کرد.

اما به هر حال کارخانه تولید قند سرانجام تعطیل شد و تاجر فرنگی به دیار خود رفت. در مرآت الوقایع مظفری آمده است:

آن تاجر چون از خود پولی در میان نگذاشته بود و این سرمایه تمامش از ممولین ایران بود، خود را ورشکست قلمداد کرد و گفت چغندر کهریزک کفاف این کارخانه را نمی‌دهد و آن کارخانه را با آن همه مخارج به جای گذاشتند و به فرنگ رفتند. بلی! کمپانی و مدیر خارجه که با دویست هزار تومان یا پانصد هزار تومان سرمایه به ایران می‌آید امتیاز کار می‌گیرد، در صورتی که پنجاه هزار تومان به وزراء و دانشمندان خائن دولت اول تعارف می‌دهد و بعد فایده نبرده، صد هزار تومان خانه و عمارت و کارخانه و میز و مبل می‌سازد و نوکرهای زیاد که لزومی ندارند نگاهداشته و مواجب زیاد می‌دهد و بعضی خبط‌های دیگر می‌کند؛ آخر کارش به آنجا می‌کشد که ضرر کند و کلاه ایرانیان را بردارد و کارخانه اش را متروک دارد. آن وقت، به زور سفارت یکی طوری حفظ ظاهر را از دست ندهد؛ الکلام یجرالکلام. از کارخانه قند شیرین که این تلخی بار آمد؛ از سایر کارخانه‌های تلخ هم اشارتی کنیم

که اهالی خارجه عیوب کار را دانسته، اگر در کارهای ایرانیان امتیازی می گیرند، ملتفت باشند که حفظ آبروی دولت خود را کرده، جهات کار را بسنجد که ننگ بار نیاورند و به شرکای ایرانی خود ضرر نزنند و خودشان مخدول و منکوب به ولایات خود نروند. مثلا: یک کارخانه کبریت سازی هم از کمپانی خارجه، در چند سال قبل به ایران آمد و کارخانه احداث کرد. ولی، نتوانست طوری کبریت سازی کند که دیگر از ممالک اروپا کبریت به این مملکت نیاورند و فروش کبریت به ایرن راجع به کارخانجات این کمپانی باشد. چون کبریت هایی که از ممالک خارجه می آوردند، در کمال نظافت و لطافت بوده، خراطی آن صاف و ممتاز بود و جعبه های کبریت ظریف تر از جعبه های این کارخانه جدید بود. با آن که از خارجه به ایران حمل می شود و مبالغی خطیر در منازل عدیده باید تاجر کرایه مکاری بدهد، با این حال، به قیمت ارزان به فروش می رسد، ولی، مدیر اروپایی که در ایران احداث کارخانه کبریت سازی کرده، اولاً چوب های کبریت و جعبه ها را ناصاف و نامرغوب ساخت، ثانیاً هر جعبه کبریت او، که چند عددی بیش نداشت، معادل و مطابق جعبه کبریت های اروپا بود. مردم هم که قیمت را یکسان دیدند و کبریت خارجه را نظیف تر دیدند، از این اداره به طوری که باید کبریت خریداری نکردند. با خرج زیاد و دخل کساد، البته رشته کار گسیخته خواهد شد. آن اداره هم ضایع و عاطل گردید. راه پیشرفت کار را، اهالی خارجه در این مملکت نمی دانند. در دوره ناصرالدین شاه، یکی از اهالی اروپا به ایران آمد و مدعی شد که چاه «آرتیزون» حفر می کند و به ریشه آب رسیده، متصل از قعر زمین، که دیگر شن و خاک نیست، آب را از لوله آهنی بیرون آورده، مثل سیم تلگراف لوله ها در بین هوا و زمین کشیده، آب را به اراضی بی آب برده، آبادانی ها ساخته شود. به اسم شرکت، مبالغی خطیر از ایرانیان پول گرفت و همه را با خود شریک ساخت. قدری عیش کرد و چندی هم با میل های آهن و ماشین های عجیبه و غریبه خاک بیرون آورد؛ تا آن که، پس از چندی اسباب آهن او شکست. کار را تعطیل کرد و به اروپا سفر کرد که باز ماشین و آلات و ادوات این کار را بیاورد. رفتن همان و پول ایرانیان را خوردن و برنگشتن همان بود! چنین مردمان متقلب و بدکار هم از فرنگیان به ایران می آیند، که به حیلت و تدلیس فواید می برند و مال مردم را حیف و میل می کنند.

نیز از اهل اروپا، چند سال قبل مدیری آمد که کارخانه شیشه سازی کارش خوب پیشرفت کرد و شیشه های بزرگ و جام های بلند ساخت. لکن، باز شیشه اش به لطافت و صافی و روشنایی شیشه های خارجی که به ایران می آورند نبود، خواست بلور سازی کند؛ سنگ بلور را در حوالی تهران نیافت و بیکار ماند. چه آنکه از هر سنگی بلور بیرون نیاید، سنگ بلور سنگ مخصوصی است و بعضی از ایرانیان می دانستند که در حوالی و اطراف تهران، کدام مکان سنگ بلور دارد، به او نگفتند، او هم بی کار ماند و ماشین و دیگ و اسباب شیشه سازی او معیوب شد. هنوز دو سال است که خبری از انجام کار او نیست و اداره تعطیل شده است!

منبع: تقدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۷۳۸/قاجار-عصر-اروپایی-مدیران-ترسوایی/>